

## مهمانی معنوی در خانه قاجاری

**ویژگی:**  
نذر و رسمی که  
بیش از ۱۰۰ سال  
انجام می‌شد

**موضوع:**  
افطاری  
دادن در خانه  
حاج ابوالقاسم  
عجایی

ساکنان قدیمی ده ونک از خانه قاجاری‌ای که در ضلع جنوبی میدان ده ونک و در حصار مغازه‌های اطراف میدان قرار گرفته خاطرات خوشی دارند. قریب به اتفاق این خاطرات به دوران حضور حاج ابوالقاسم عجایی در همین خانه مربوط می‌شود.

نذر افطار در ماه رمضان یکی از نخستین سنت‌های اهالی دهونک بوده که به روایت قدیمی‌ها، حاج ابوالقاسم عجایی سنگ بنای آن را گذاشت و تا چند سال قبل پابر جا بود. حاج ابوالقاسم عجایی مردی مؤمن و بزرگ از خاندان عجایی بود که املاک زیادی در دهونک داشت و معمولاً پای ثابت محافل و مجالس خیرخواهانه و عام‌المنفعه به حساب می‌آمد. به همین دلیل اهالی دهونک پسوند «دستگیر» را به نامش سنجاق کردند و به نشانه احترام به او حاج ابوالقاسم دستگیر می‌گفتند.



یکی از سنت‌هایی که هر سال در خانه حاج ابوالقاسم رعایت می‌شد این بود که همه اهالی ده ونک اعم از فقیر و غنی در شب بیست و هفتم ماه رمضان برای صرف افطار به این خانه دعوت می‌شدند و نقطه آغاز برخی کارهای خیر در همان مهمانی گذاشته می‌شد. «سید محمد عجایی»، ساکن قدیمی دهونک و از نوادگان حاج ابوالقاسم عجایی، معتقد است نذر افطار در این خانه قاجاری یکی از نخستین سنت‌های ده ونک است که اهالی این محله بیش از یک قرن به آن وفادار بودند. او در این باره می‌گوید: «حاج ابوالقاسم عجایی یکی از مشهورترین خیران دوره قاجار بود که سال‌های طولانی در این خانه زندگی می‌کرد. او مالک اصلی آسیاب آبی یوسف‌آباد به حساب می‌آمد و دستور داده بود گندم‌های مردم به رایگان آسیاب شود. روایت‌هایی وجود دارد که حاج ابوالقاسم آردارش را هم تأمین می‌کرد و دستی در ساخت حسینییه و مسجد داشت.»

خانه قدیمی حاج ابوالقاسم عجایی که در جغرافیای جدید ده ونک، پشت مغازه‌های ضلع جنوب شرقی میدان ده ونک واقع شده، حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد و به واسطه میزبانی از اهالی ونک در شب بیست و هفتم ماه رمضان و قرار گرفتن در متن امور خیریه به بخشی از هویت این محله تبدیل شد اما بعد از شکسته شدن درخت ۲۵۰ ساله داخل حیاط و سقوط آن روی اتاق‌های بخش غربی رو به ویرانی رفت و حالا سال‌هاست متروک مانده است.



**موضوع:**  
علامه  
کرباسچی

**ویژگی:**  
روحانی  
تأثیرگذاری که  
اقدامات ماندگاری در  
محله انجام داد



علامه کرباسچی

آن را ساده‌سازی و روان کرد. مهرشاد کاظمی از روز درگذشت علامه در نهم مردادماه ۱۳۸۲ تعریف می‌کند: «سرتاسر حیاط خانه با پارچه‌های سفید پوشانده و در همین منزل غسل و کفن می‌شد. حزن و اندوه بسیاری محله را در بر گرفته بود؛ اهالی، شیخ و همسایه مهربان و بزرگی را از دست داده بودند؛ یکی دیگر از اقدامات مهم علامه برای ده ونک، پاسوادی کردن دختران بود. او در سال‌های ۳۷ و ۳۸ شمسی یک مدرسه دخترانه غیررسمی تشکیل داد. اهالی دهونک می‌خواستند دخترانشان را به دبستان آن زمان بفرستند، برای همین علامه در منزلش، مدرسه‌ای برای آنها راه‌اندازی کرد. همسر مرحوم علامه هم برای دانش‌آموزان دختر کتاب دبستان را تدوین می‌کرد.»

در آن ساکن می‌شود. آن زمان مرحوم علامه در قم مشغول تحصیل بود. تابستان‌ها که درس و بحث تعطیل می‌شد به تهران می‌آمد و پدر ایشان هم برای جوان‌های ونک کلاس آموزش قرآن دایر می‌کرد. مرحوم علامه در دوران تحصیل علوم دینی در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ به تدوین رساله‌ای (توضیح المسائل) که توسط آیت‌الله بروجردی تأیید شد نیز پرداخت حضور تابستانه شیخ در تهران و اقامتش در باغ‌نوی ونک (محل فعلی خوابگاه دانشجویان دانشگاه الزهرا) فرصت دیدار با نوجوانان را برای او فراهم می‌ساخت. در همین دیدارها، با آن تیزبینی خاص خود، دریافت که نوجوانان و جوانان و حتی بزرگ‌ترهایشان در خواندن و فهم بسیاری از متون دینی با موانعی روبه‌رو هستند. متن پیچیده و دشوار کتاب جامع‌الفروع و رساله عملیه آیت‌الله بروجردی، شاید نزدیک‌ترین مثال در این میان بود که او متون

## شیخ مردم‌دار و ساده‌زیست

اهالی محله دهونک سال‌های سال در کنار علامه علی‌اصغر کرباسچی، شیخ بزرگ و نگارنده کتاب توضیح‌المسائل و مؤسس مدرسه علوی زندگی کردند و راه و سلوک ساده‌زیستی، مردم‌داری و... را از او آموختند. اهالی این شیخ عارف و زاهد را که در سلام کردن از آنها پیشی می‌گرفت، بعد از گذشت ۲۰ و اندی سال از فراقش، به خوبی به‌خاطر دارند. مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه درباره مرحوم علامه کرباسچی می‌گوید: «علامه ارتباط تنگاتنگی با اهالی و کاسبان داشت. او هر روز صبح به بهانه خرید از منزل بیرون می‌آمد و از نزدیک جویای حال و احوال اهالی می‌شد. رفتار و منش ایشان به نوعی بود که اهالی اغلب برای انجام کارهایشان با او صلاح و مشورت می‌کردند و از او الگو می‌گرفتند.» به گفته کاظمی پدر مرحوم علامه حدود سال ۳۲ شمسی ۲۰۰ متر زمین در دهونک می‌خرید و خودش آن را می‌سازد و

## ساخت زورخانه در زمین وقفی کشاورزان



**موضوع:**  
زورخانه  
قمر بنی‌هاشم

**ویژگی:**  
حضور  
ورزشکاران  
صاحب‌نام پایتخت  
در زورخانه محله  
ونک

خاطرات قدیمی‌های دهونک به‌خصوص ورزشکاران پیشکسوت این محله است. برای ساخت زورخانه، عده‌ای از اهالی برای خرید تیر آهن و عده‌ای دیگر برای تهیه مصالح ساختمانی پول جمع کردند و بنای زورخانه در یک بازه زمانی ۳ تا ۳ ساله ساخته شد. عجایی می‌گوید: «بعد از ساخت بنای اصلی، شهرداری تهران هم وارد میدان شد و زورخانه با ساختار و شکل و شمایل فعلی به مرحله بهره‌برداری رسید. از بدو تأسیس این زورخانه، برخی ورزشکاران مشهور به دهونک آمده‌اند و وارد گود زورخانه قمر بنی‌هاشم (ع) شده‌اند. علیرضا سلیمانی، قهرمان جهان از ورزشکارانی بود که در گود این زورخانه ورزش می‌کرد. رضا سوخته‌سرای یکی دیگر از سنگین‌وزن‌های تیم ملی کشتی هم بارها به زورخانه ده ونک آمد و با وجود آنها پایه‌های یکی از بهترین سنت‌ها در این زورخانه گذاشته شد. هنوز هم ورزشکاران محلی در آخرین روز ماه رمضان در گود زورخانه دور هم جمع می‌شوند و برای کمک به ازدواج جوان‌های بی‌بضاعت گلریزان برپا می‌کنند.»

سنگ بنای زورخانه قمر بنی‌هاشم (ع) در ضلع غربی قبرستان قدیمی ده ونک از روزی گذاشته شد که کشاورزان و صاحبان بخشی از زمین‌های مجاور قبرستان ده ونک تصمیم گرفتند اعیان ملک‌شان را وقف حضرت ابوالفضل (ع) کنند. سیدمحمد عجایی از ساکنان قدیمی ده ونک، این زورخانه را نماد همدلی اهالی این محله در سال‌های دور می‌داند: «تا دوره پهلوی اول، اهالی یک باشگاه بسیار کوچک در زیرزمین یکی از مغازه‌های بازارچه دهونک سرپا کرده بودند و چند نفر برای ورزش به این مکان می‌رفتند. باشگاه محقر ده ونک با افزایش جمعیت جابجایی نیازهای ورزشکاران محلی نبود و در همان روزها بود که ایده تأسیس یک زورخانه محلی در قلب ده ونک مطرح شد. در سال ۱۳۵۹ که کشاورزان ده ونک زمین‌هایشان را وقف حضرت ابوالفضل (ع) کردند، عده‌ای از ورزشکاران محلی که منوچهر عبدالباقیان، کشتی‌گیر قدیمی و هم‌دوره تختی در راس آنها بود بانی ساخت زورخانه شدند.»

ساخت زورخانه در چند قدمی میدان خاطر‌انگیز ده ونک، فصل مشترک

